

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.Ketab.ir

نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه

عبدالوهاب قراتی

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳-۰۲۵

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز بخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴-۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، رویروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajnooahan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه

عبدالوهاب فراتی

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

سروراستار

محمدباقر انصاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

عنوان: ۵۵۸؛ مسلسل: ۸۷۹

سرشناسه:

عنوان نام‌پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۴۷-

نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه/ عبدالوهاب فراتی؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸

۲۵۶ ص.: جدول

۴۰۰۰۰ ریال:

978-600-195-566-2

فیبا

کتابنامه: ص. [۲۲۹]- ۲۳۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

نمابه

ولایت فقیه

مرجعیت

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

BP ۲۲۳/۸

۲۹۷/۴۵

۵۹۴۷۰۰۲

۱۱		سخنی با خواننده
۱۵		مقدمه

فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری

۲۱		۱. تقریر موضوع
۳۰		۲. مفاهیم پایه
۳۰		الف) مرجعیت دینی
۳۳		ب) ولایت فقیه و نهاد آن
۳۵		ج) نسبت و تعامل
۴۰		۳. ماهیت مسئله
۴۲		۴. روش پژوهش
۴۳		۵. پیشینه تحقیق
۴۵		۶. سازماندهی تحقیق

فصل دوم: تحریر محل نزاع

۴۷		درآمد
۴۸		۱. تراحم و تداخل ولایت فقیهان در مرحله ثبوت

- الف) امکان تراحم بین ولایت فقها در مرحله ثبوت ۵۶
- ب) عدم امکان تراحم ولایت فقها در مرحله ثبوت ۶۲
۲. تراحم و تداخل ولایت فقیهان در مرحله اثبات ۶۳
- الف) ادله مخالفان تراحم ۶۳
- ۱) عدم امکان اطلاق ۶۴
- ۲) سقوط وجوب با آغاز به کار فقیه ۶۴
- ۳) عدم اطلاق نصوص به موارد مزاحمت ۶۵
- ۴) عدم اطلاق نصوص به فعلیت ولایت تمام فقیهان ۶۵
- ۵) تقیید مطلقات به وسیله مرجحات ۶۶
- ب) دلایل موافقان تراحم ۶۷
- ۱) اطلاق برخی دلایل ولایت فقیه ۶۷
- ۲) نیابت عنوان فقیه از امام علیه السلام، نه شخص وی ۶۷

فصل سوم: الگوی تاریخی تعامل رهبری با مرجعیت دینی

- درآمد ۶۹
۱. رابطه امام خمینی و مراجع تقلید در طول نهضت اسلامی ۷۴
- الف) نگرش عمومی امام خمینی به مراجع قم و نجف ۷۶
- ب) تعامل امام خمینی با مراجع قم و نجف ۷۷
۲. رابطه رهبری و مراجع تقلید در عصر جمهوری اسلامی ۸۴

فصل چهارم: تأملی بر نظریه‌ها و الگوهای پیشنهادی

- درآمد ۹۷
۱. دیدگاه‌های سنتی ۱۰۵

الف) رهبری شورایی مراجع تقلید.....	۱۰۵
ب) ولایت فقیه اعلم و معاونت اجرایی فرد مورد اعتماد.....	۱۱۴
ج) تقدم ولی فقیه در امر سیاسی بر مرجعیت دینی.....	۱۱۷
د) افتراق ساختاری دو نهاد ولایت و مرجعیت.....	۱۲۰
۲. دیدگاه‌های جدید: رقابت دموکراتیک مراجع و مجتهدان.....	۱۲۵

فصل پنجم:

متغیرها و الزامات الگوی تعامل ولی فقیه و مرجعیت دینی

درآمد.....	۱۲۹
۱. الزامات بیرونی تعامل رهبری و مرجعیت.....	۱۳۰
الف) استقلال حوزه.....	۱۳۰
ب) وضعیت آینده دینداری و تأثیر آن در الگوی تعامل.....	۱۳۳
ج) نحوه ورود ولی فقیه به تنظیمات حوزه.....	۱۳۴
۲. متغیرهای درونی تعامل رهبری و مرجعیت دینی.....	۱۳۸
الف) رابطه ولی فقیه با فتوا و حکم.....	۱۳۸
ب) ولایت بر قانونگذاری و اجرا.....	۱۴۰
ج) ولایت بر اشخاص، ولایت بر جامعه.....	۱۴۱
د) ولایت شورایی یا ولایت دسته‌جمعی.....	۱۴۲
هـ) رهبری سیاسی یا ولی شرعی.....	۱۴۴
و) تعامل رهبری سیاسی با مرجعیت دین در وضعیت غیرایده‌آل.....	۱۴۶
ز) ولایت فقیه و نهاد نظارت بر آن.....	۱۴۷
ح) نحوه ورود ولی فقیه به حوزه اعمال ولایت.....	۱۴۹

ط) شأن ولایت ۱۵۰

ی) مکانیسم مداخله اجتماعی ولی فقیه ۱۵۴

فصل ششم: سازماندهی نهاد ولایت فقیه و نهاد مرجعیت

درآمد ۱۵۷

۱. الگوی سیاسی: عدول از اقتدار سیاسی و عمل به رویه فقهی ۱۵۹

۲. الگوهای جامعه‌شناختی ۱۶۹

الف) الگوی اقتدار مادی رهبری و اقتدار معنوی مراجع ۱۷۰

ب) الگوی مرجعیت علمی و مرجعیت عملی ۱۷۲

۳. الگوهای فقهی - حقوقی ۱۷۹

الف) الگوی امام خمینی: ولایت‌های تکرپذیر و ولایت‌های تکرناپذیر ۱۷۹

۱) تبیین نظریه بنیانگذار ۱۷۹

۲) اعتبار و حجیت نظریه ۱۸۴

ب) الگوی لزوم رجوع در امور اجتماعی به عقل جمعی و نه اهل خبره (مراجع) ۱۸۷

ج) الگوی لزوم تبعیت همگان حتی مراجع از احکام الزام‌آور فقیه ۱۹۰

۱) مشکلات برخی الگوهای موجود ۱۹۰

۲) راه حل تراحم میان ولی فقیه و سایر فقها ۱۹۲

د) الگوی توافق فقها بر سر واگذاری اختیارات به رهبر سیاسی ۱۹۴

۱) تنوع الگوها به حسب تنوع نظریه‌های ولایت فقیه ۱۹۵

۱. اطلاق ادله لفظیه و الگوی تعامل ولی فقیه با سایر مراجع ۱۹۵

۲. عدم اطلاق ادله لفظی و الگوی تعامل ولی فقیه با سایر فقها ۲۰۰

۳. آسیب‌شناسی الگوی جاری میان رهبری و فقها ۲۰۲

۴. الگوی تعامل سازنده ولی فقیه و مرجعیت دینی ۲۰۶

۲۰۷	ها) الگوی ترکیبی سه نظریه در باب ولایت فقیه
۲۰۸	و) الگوی ولی فقیه مرجع و ولی فقیه غیر مرجع
۲۰۹	(۱) تعامل ولی فقیه مرجع با سایر فقها
۲۱۱	(۲) تعامل ولی فقیه غیر مرجع با سایر فقها
۲۱۲	ز) الگوی حاکمیت فقیه و لزوم مشورت با لجنه‌ای از فقیهان
۲۱۷	۴. الگوی کلامی؛ مرجعیت: امامت صغری در غیبت کبری
۲۲۱	جمع‌بندی و الگوی پیشنهادی

کتابنامه

۲۲۹	الف) کتب و مقالات
۲۳۵	ب) مصاحبه‌ها
۲۳۷	ج) سایت‌ها

نمایه‌ها

۲۳۹	آیات
۲۴۰	روایات
۲۴۱	موضوعات
۲۴۹	اعلام و مشاهیر
۲۵۲	کتاب‌ها
۲۵۳	مکان‌ها
۲۵۴	تنالگان
۲۵۵	مقاله‌ها

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی زمینه گسترش فعالیت‌های

این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل را مهیا کرد.

این پژوهشکده به منظور ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی درباره اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف بررسی نسبت نهاد ولایت فقیه با مرجعیت دینی برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. امروزه بحث نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه از جمله مباحث متأخری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بی‌تردید هر نظریه‌ای که در باب ولایت فقیه وجود دارد، تأثیر بسزایی در نوع الگوی تعامل این دو نهاد می‌نهد و پیامدهای مختلفی دارد. این اثر تلاش می‌کند با بررسی مهم‌ترین مشکلاتی که در نسبت دو نهاد وجود دارد، راهی به سوی کاهش تراحمات احتمالی میان آن بگشاید و بدین‌گونه بر کارآمدی نظام اسلامی بیفزاید.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم دکتر عبدالوهاب فراتی، ناظر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی، ارزیابان محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمدتقی آل‌غفور و دکتر شریف لک‌زایی، مدیر محترم گروه رضا عیسی‌نیا و مدیر محترم اداره امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی که مساعدت های مؤثر ایشان
نقشی اساسی در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر کند. در
پایان از اداره نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که عهده دار چاپ و
نشر اثر حاضر بوده و هست، تشکر و قدردانی می شود.

این پژوهشکده در جهت حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای
علمی استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می کند. امید است
این فعالیت ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

امروزه «نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه» به یکی از موضوعات مهم حکومت دینی در حوزه‌های علمیه مبدل شده است. این رابطه که ممکن است بر حسب نظریه‌های ولایت فقیه از یک سو و نیز الگوهای رفتاری فقیه حاکم و نیز فقها و مراجع تقلید دچار قبض و بسط شود، عملاً به تزامن حوزه‌های اقتدار آنان کشیده می‌شود و به‌ناچار در پاره‌ای از موارد آنان را رودرروی هم قرار می‌دهد. هم فقیهی که به قدرت می‌رسد، از آن‌ها همه دارد که زین پس با مخالفت‌های فقهای خارج از قدرت چه کند و هم فقیهان خارج از قدرت نگران رو به محدودیت رفتن اقتدار سنتی خویش می‌شوند؛ به‌ویژه آن‌گاه که هریک از آنان مبانی و تحلیل متفاوتی از مناصب فقیه داشته باشند. البته در فرضی که رهبری به صورت شورایی اداره می‌شد، سایر فقها خود را دخیل در روند تصمیم‌گیری می‌دانستند و اختلاف خود را در درون همان شورا حل و فصل می‌کردند؛ اما در قانون اساسی جدید که رهبری فردی شد و عملاً نیز سایر فقها از روند تصمیم‌گیری حذف شدند، همواره این نگرانی وجود داشت که تعامل رهبری با مخالفت‌هایی روبرو شود. این نگرانی را می‌توان در نخستین جلسه اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری پس از رحلت امام

خمینی ره مشاهده کرد. در آن روز، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طرفدار شورایی بودن رهبری و دیگران مخالف آن بودند؛ اما این نظریه دوم بود که رأی آورد و رهبری به صورت فردی در ایشان تعیین یافت. اما زمانی که ایشان از سر اکراه این مسئولیت را پذیرفتند، در سخنانی فرمودند: «من با این نظریه [فردی شدن رهبری] مخالفم؛ مثلاً این آقای آذری قمی که با من اختلاف سلیقه و فکری دارد، آیا حرف من را به عنوان رهبر جامعه می‌پذیرد؟ من چطور می‌توانم رهبری این جامعه را قبول کنم؟»^۱

این سخنان نشان می‌داد آیت‌الله خامنه‌ای نگرانی بجایی از موقعیت خویش در میان فقهای خارج از قدرت داشت. از آن سو نیز فقها و مراجع تقلید نگران آن بودند که اقتدار سنتی آنان ذیل اقتدار فقیه چه می‌شود و چگونه می‌توانند تفاوت در رویکردهای فقهی و سیاسی - اجتماعی خود در این دوره را مدیریت کنند؟ هر دو نگرانی بجا بود و گذشت چهل سال از عمر مبارک نظام اسلامی در ایران نشان داد هر دو آنان علاقه‌ای به مداخله در حوزه اقتدار دیگری ندارند؛ اما عملاً در پاره‌ای موارد، به اصطلاح فقها دچار تزاخم ولایات می‌شوند؛ از این رو این سؤال مطرح می‌شد که فقها و مرجعیت دینی چه وظیفه و نقشی ذیل حکومت دینی، آن‌گاه که فقیه دیگری بر جامعه اعمال ولایت می‌کند، دارند و ولی فقیه نیز در تصادم با حوزه اختیارات دیگر مراجع و مجتهدان چه موضعی بر می‌گزیند؟ بالاخره اینکه چه الگوی مطلوبی در تعامل این دو نهاد برجسته می‌توان پیشنهاد کرد که همانند «فتوای معیار» مورد

۱. سیدمحسن موسوی فرد کاشانی (عضو خبرگان رهبری)؛ «شش روایت از رهبری آیت‌الله

توافقین طرفین باشد؟ ضمن اینکه اساساً آیا می‌توان به چنین الگویی رسید یا باید از الگوهای متعددی سخن گفت و مسیرهای دیگری برای حل و فصل این تصادمات برگزید؟ پاسخ به این سؤالات شاید بتواند مسیری جهت تعامل عالمان دینی با دولت فقیه در عصر جمهوری اسلامی بگشاید و آن را مستظهر به ادله و نظریه‌های درون‌فقهی کند.

اهمیت این موضوع نیز به این امر بر می‌گردد که تا پیش از تأسیس حکومت دینی در ایران، وقتی سخن از تعامل فقیهان با دولت به میان می‌آمد، نظریه‌هایی در فقه اسلامی وجود داشت تا این تعامل را تدارک کند و انواعی از روابط را پیش روی فقیهان قرار دهد؛ برای مثال دولت از نظر شیخ مرتضی انصاری، به اعتبار اینکه حاکمش بدون اذن امام معصوم علیه السلام قدرت سیاسی را به دست گرفته بود «جائر» به شمار می‌رفت و به اعتبار عقیده و مذهبش به سه گروه تقسیم می‌شد: ۱. سلطان شیعه یا جائز موافق که شیخ انصاری اصطلاح «سلطان مؤمن» یا «جائر مؤمن» را درباره چنین حکامی به کار می‌برد. ۲. سلطان سنی یا جائز مخالف که منظور فرمانروای مسلمان پیرو مذهب اهل سنت است. ۳. سلطان کافر یا جائز کافر که همان پادشاهان یا حکومت غیرمسلمانان است.^۱

بر اساس تفسیر فوق، حکومت‌ها به تبع حاکمانشان در یک گروه بیشتر قرار ندارند و تفاوت در عقیده و عمل فرمانروایان هیچ تأثیری در مشروعیت آنها ندارد. به همین دلیل در عصر غیبت که عموماً روزگار دولت‌های جور است، باید «تقیه زمانی» پیشه کرد و روابط متنوع و البته پیچیده‌ای با چنین دولت‌هایی برقرار کرد. معمولاً فقیهان گذشته چنین موضوعی را ذیل دو عنوان

۱. مرتضی انصاری: المکاسب المحرمه؛ ج ۲، ص ۷۶.

«ولایت عن الجائر» و «اعانة الظالمین» مورد بحث قرار می‌دادند؛ اما هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند روزگاری فقهی از جمع آنان برخیزد و خود تشکیل دولت دهد و بدین‌گونه دولتی مأذون از امام معصوم علیه السلام بنا نهد که الزاماً از ذیل مفهوم «جور» خارج شود. در این صورت باید پرسید فقیهان چگونه با این دولت تعامل و بر اساس چه مدلی با آن رابطه برقرار کنند؟ این سؤالات پرسش‌های مهمی‌اند که تا کنون پاسخ روشنی نیافته‌اند؛ به سخنی دیگر در فرضی که قدرت سیاسی در دست کسی بود که از منظر فقهی یا مقام امام معصوم علیه السلام را غصب کرده بود یا بر رعیت ظلم می‌ورزید، روابط علما با قدرت سیاسی روشن بود و پشتیبانان‌ای از تئوری داشت که معمولاً در فقه سیاسی تدارک شده بود. بسیاری از عالمان گذشته یا مراددهای خیرخواهانه با نظام‌های سیاسی وقت داشتند یا از باب تقیه رفتاری خاص بر می‌گزیدند؛ اما در شرایطی که قدرت سیاسی در اختیار مجتهدی عادل قرار گرفته باشد که از نظر بسیاری از فقها مصداق «دولت شرعی» به شمار می‌آید، چگونه باید رفتار کرد و چه نظریه‌ای به ترسیم الگوی این تعامل خواهد پرداخت؟ اینها سؤالات بدون پاسخی است که باید مورد توجه قرار گیرد. مروری اجمالی بر ادبیات کنونی حوزویان نشان می‌دهد اساساً چنین نظریه‌ای وجود ندارد^۱ و بسیاری از فقها و مراجع بر حسب شرایط سیاسی و نیز ذوق و سلیقه خود با دولت دینی در ایران رابطه برقرار می‌کنند. همین دلایل کافی است که باب چنین تأملی در این تحقیق گشوده شود و از نمایی نزدیک تعامل و نسبت فقها با دولت عادل فقیه در این اثر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱. رسول جعفریان؛ مقالات تاریخی؛ ج ۱۴، ص ۴۰۵-۴۱۳.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که ایده اصلی موضوع این تحقیق، در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای مستقل به قلم نگارنده مطرح شد^۱ که مورد استقبال جامعه علمی قرار گرفت. اندکی بعد، قطب نظام سیاسی و اجتماعی اسلام و ایران، دفتر تبلیغات اسلامی تصویب کرد که این موضوع در سطح گسترده‌تری به صورت گفتگو با صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی پیگیری شود و در کنار تحقیقات موجود، به اثری جامع در این باره بدل شود. درواقع این اثر محصول آخرین آثار مکتوب و نیز محتوای مصاحبه‌های مذکور است که به صورت متنی واحد در می‌آید. این بدین معناست که مصاحبه‌های انجام‌شده بر خلاف روش‌های معمول، متن آنها در قالب متن نگارنده می‌آید و تنها در پانویست یا در متن، به نام مبارک مصاحبه‌شونده اشاره خواهد شد.^۲ به همین دلیل فهرستی از صاحب‌نظران تهیه شد که با اغلب آنان که نام مبارکشان در متن خواهد آمد، گفتگو صورت گرفت. برخی دیگر به دلایل متعددی از جمله نداشتن وقوف کافی بر موضوع، حساسیت‌های سیاسی موضوع و عدم وقت مرا از تشریف به محضرشان بی‌توفیق گذاشتند و بدین‌گونه خود را از داوری درباره یکی از موضوعات مهم حکومت دینی دور نگاه داشتند که دست یکایک آنها را می‌بوسم. در این اثر با استادان محترم جناب آقایان سیدحسن خمینی، مسیح بروجردی، محمدجواد ارسطا، کاظم قاضی‌زاده، عبدالحسین خسروپناه، مجتبی الهی خراسانی، احمد واعظی، غلامرضا صدیق اورعی،

۱. رک: عبدالوهاب فراتی؛ «نسبت ولی فقیه و مرجعیت دینی (نقد و بررسی الگوها و نظریه‌های

کلاسیک و جدید)»، مجله علمی پژوهشی علوم سیاسی؛ دوره ۱۹، ش ۷۴، زمستان ۱۳۹۵.

۲. متن گفتگوهای استناد شده در کتاب حاضر در قالب اثری مستقل از سوی پژوهشکده علوم و

اندیشه سیاسی منتشر خواهد شد.

علیرضا شجاعی زند، محمود حکمت‌نیا، عبدالکریم بهجت‌پور، نجف‌علی میرزایی، سیدمحمدجواد علوی بروجردی، سیدصمصام‌الدین قوامی، داوود فیرحی، محمد سروش محلاتی، رسول جعفریان، علی‌رضا پیروزمند و عبدالرحیم اباذری گفتگو شد. همچنین لازم می‌دانم از جناب استاد محترم حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین احمد واعظی که نظارت بر کار را پذیرفتند، سپاسگزاری کنم؛ به‌ویژه اگر رویکرد ایشان در راه‌اندازی قطب‌های علمی نبود، شاید هرگز چنین موضوعاتی مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در آخر نیز از حجت‌الاسلام و المسلمین احمدرضا یزدانی مقدم، محمدعلی رجایی و حجت‌الاسلام احمد نجمی که به‌ترتیب در گفتگو با دکتر داوود فیرحی، سیدحسن خمینی و حضرت آیت‌الله علوی بروجردی مرا همراهی کردند، تشکر می‌کنم. از برادر عزیزم جناب آقای پرویز کاظمی نیز سپاسگزارم که متن مصاحبه‌ها را مکتوب و مرا در این کلان‌طرح همراهی کردند.

عبدالوهاب فراتی